



تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه

عبدالرحیم کردی^۱

مهدی خداپرست مشهدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹

چکیده

فضای سرمایه‌گذاری در یک کشور برآیند عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، نهادی و قانونی است. این عوامل مشخص‌کننده کیفیت محیط نهادی در بین کشورها هستند. فساد اغلب به عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب تصور می‌شود. نتایج اکثر مطالعه‌های تجربی صورت گرفته برای کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهند که به طور کلی، فساد با ایجاد هزینه‌های بالا و ناطمینانی موجب عدم جذابیت کشور میزبان برای سرمایه‌گذاران شده و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی را از بین می‌برد. برخی از مطالعه‌ها نیز به عدم وجود ارتباطی معنی‌دار میان دو متغیر فساد و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اشاره کرده‌اند. با توجه به خلأ مطالعاتی موجود، این تحقیق به بررسی ارتباط میان زیر بخش‌های مختلف فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۵۰ کشور در حال توسعه می‌پردازد. نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی برای کشورهای در حال توسعه، به روش داده‌های تابلویی^۱ در دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶، حاکی از آن است که انواع مختلف فساد اثرهای متفاوتی بر جریان FDI^۲ دارند؛ به طوری که فساد در دریافت مجوز واردات و صادرات دارای اثر مثبت و فساد در دسترسی به خدمات عمومی، پرداخت مالیات و تصمیم‌های قضایی دارای اثر منفی و درعین حال معنی‌داری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کشورهای در حال توسعه، داده‌های تابلویی.

طبقه بندی JEL: K4, F21, C23

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران Kordi342@gmail.com

۲- دکتری علوم اقتصادی، دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
m_khodaparast@um.ac.ir

۱- مقدمه

در مدل‌های مختلف رشد اقتصادی سرمایه انباشت شده و تکنولوژی به عنوان عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی معرفی شده‌اند. به دلیل نقشی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در انتقال تکنولوژی دارد و به دلیل ناکافی بودن منابع داخلی کشورهای توسعه‌نیافته سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه مزیت‌هایش و سرریز مثبت ایجادشده، رشد و توسعه اقتصادی را افزایش می‌دهد. این امر موجب شده که امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکاپوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کنند. جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر از زمان آغاز عصر جهانی‌سازی در دهه ۱۹۸۰ در حال رشد بوده و این نوع سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهم‌ترین اشکال جریان‌های سرمایه در بازارهای جهانی سرمایه است. بر اساس محاسبه‌های مؤسسه‌های بین‌المللی بیش از نیمی از تمامی جریان‌های سرمایه به بازارهای نوظهور در دهه اخیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است (Qian, et. al, 2011).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مجموعه‌ای از سرمایه مالی، فن‌آوری، مهارت‌های مدیریتی، اطلاعات و کالاهای و خدماتی را فراهم می‌آورد که می‌تواند با افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری، موجب ایجاد یک اقتصاد رقابتی‌تر در بازار جهانی شده و در نتیجه رشد یک کشور را افزایش دهد. در کشور ما نیز با اینکه حجم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها توسط دولت انجام می‌شود اما با رویکرد افزایش حضور بخش خصوصی در اقتصاد که در سال‌های اخیر اعمال شده است، اهمیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در کنار آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیش از پیش اهمیت یافته است. به منظور جذب سرمایه‌های خارجی و ایجاد زمینه برای بهبود سرمایه‌گذاری داخلی، به شرایط خاصی نیاز است که امروزه از آن به عنوان فضای کسب‌وکار یاد می‌شود. فضای سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین مجموعه مزیت نسبی محصول‌های بین‌المللی، جذابیت یک کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی در سطح بازارهای جهانی تعیین می‌کنند.

هدف اولیه و اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد سود از طریق سرمایه‌گذاری است و هر عاملی که باعث عدم اطمینان بالاتر و ریسک بیشتر سرمایه‌گذاری شود اغلب باعث کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد. از آنجا که فضای سرمایه‌گذاری برآیند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فن‌آوری است، بنابراین ملاحظه‌های اقتصادی تنها عامل موثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی نیست. ثبات سیاسی کشور میزبان و فضای اقتصاد کلان و توسعه نهادی عوامل تأثیرگذار بر تصمیم سرمایه‌گذاری خارجی هستند.

فساد اغلب به عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب تصور و نقش آن بر فعالیت‌های اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. مفاسد اقتصادی باعث ناامنی اقتصادی، فرار سرمایه‌ها، افزایش هزینه معامله‌های رسمی، گسترش قلمرو اقتصاد زیرزمینی و ائتلاف منابع و نیز مانع رشد رقابت می‌شود. همه این‌ها مانع بهبود فضای سرمایه‌گذاری و محیط کسب‌وکار و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد. از آنجایی که فساد مفهوم گسترده‌ای است و به زیرشاخه‌هایی تقسیم می‌شود، در

این مطالعه، به منظور بررسی بهتر اثر آن بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، میزان و جهت اثرگذاری هر کدام از زیر شاخص‌های فساد بر FDI به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به تبیین مبانی نظری تحقیق در رابطه با فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و سپس مطالعه‌های تجربی و پیشینه تحقیق را مرور می‌کنیم. پس از معرفی الگو، متغیرها و داده‌های تحقیق به ارائه نتایج تجربی و تحلیل یافته‌ها می‌پردازیم.

۲- مبانی نظری

مشکل اصلی کشورهای کمتر توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته کمبود منابع جهت سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال، زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود امر توسعه پایدار و رشد اقتصادی است. این مشکل ناشی از کمبود درآمدهای ارزی ناشی از صادرات و نرخ ناعادلانه مبادله است که اغلب به زیان صادرکنندگان کالاها و مواد اولیه خام در حال تغییر است. با اشباع سرمایه‌گذاری در کشورهای پیشرفته صنعتی نرخ بازده سرمایه‌گذاری در این کشورها رو به نزول می‌رود و سرمایه‌گذاران نیز همواره درصدد بهره‌جویی از فرصت‌های با بازده بیشتر هستند.

از اواخر دهه ۱۹۸۰ مفاهیمی همچون یکپارچگی بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری در پرتفوی، شرکت‌های فراملیتی و استفاده گسترده از امکانات ارتباطی باعث شد وزنه جهانی شدن در بعد اقتصاد مالی سنگین‌تر شود (Durham 2003). چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین‌شده و بستر قانونی و نهادی لازم فراهم گردد سرمایه‌گذاران بین‌المللی تمایل بیشتری برای حضور در این بازارها خواهند داشت و در غیر این صورت سرمایه‌گذاران خارجی در جستجوی مقاصد بهتری خواهند بود؛ علاوه بر آن حتی با اعمال سیاست‌های تشویقی کوتاه مدت و جذب برخی سرمایه‌گذاران، این مسئله می‌تواند پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، تعطیلی صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه داشته باشد. در این بخش، فساد و نحوه اثرگذاری آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل نهادی از دید تئوریک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- فساد و علل آن

فساد و رشوه‌خواری یکی از پدیده‌های شایع در سطح جهان است که از دیرباز و همزاد با پیدایش نخستین شکل‌های دولت و حکومت‌داری وجود داشته است. بررسی‌های اقتصادی انجام‌شده در سال‌های اخیر به روشنی ثابت می‌کند که فساد یکی از ترمزهای مهم رشد اقتصادی است. کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای تباہ ساختن، به ستم مال کسی را گرفتن و جلوگیری کردن از انجام اعمال درست و سالم است. فساد از نظر اخلاقی، زیر پا گذاشتن، از بین بردن، خیانت کردن به امانت، پرهیزکاری و اصول معنی شده است. ریشه این واژه در زبان لاتین کلمه (Corruptus) به معنای

باطل شده، نقض شده و مخروبه است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد.

سازمان جهانی شفافیت^۳ بر مشکل فساد در بخش عمومی تمرکز نموده است و فساد را چنین تعریف می‌کند: «سوءاستفاده از قدرت مقامات عمومی در جهت کسب منافع خصوصی».

در رخداد فساد اغلب دو طرف، یک طرف یک شهروند یا شرکت خصوصی به عنوان متقاضی فساد و طرف دیگر یک کارگزار دولتی به عنوان عامل فساد مشارکت دارند (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳). رفتارهای فاسد شامل پرداخت‌هایی است که به مسئولان صورت می‌گیرد تا برخی رفتارهای خاص مورد نظر به منظور فرار از قانون یا تسهیل امور و فعالیت‌های غیرقانونی انجام پذیرد. در برخی شرایط، پرداخت رشوه برای به‌دست آوردن خدماتی صورت گرفته که دریافت‌کننده رشوه از انجام آن منع شده است.

فساد ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است. مطالعه‌های تجربی مربوط به علت‌های فساد تأیید می‌کنند که فساد نشانه بیماری از نوعی ضعف نهادی عمیق است. در واقع فساد را باید نوعی عارضه از ضعف بنیادین دولت به شمار آورد، نه عامل پایه‌ای یا تنها عامل تعیین‌کننده بیماری‌های جامعه. وینود^۴ (۲۰۰۰)، سه شرط لازم ایجاد فساد و تداوم آن را قدرت احتیاطی مجریان دولت، رانت‌های اقتصادی و نهادهای ضعیف معرفی می‌کند. ریشه‌های مفاسد مالی و اقتصادی که اغلب در همه جا یکسان است، در فساد دولتی نهفته است که خود ناشی از دولت‌های بزرگ با قدرت زیاد برای توزیع منافع بین گروه‌های مختلف است.

برای رسیدن به هدف ذکرشده برای این تحقیق، باید تفاوت بین فساد بزرگ و فساد جزئی مشخص شود. فساد بزرگ که به عنوان فساد سیاسی شناخته می‌شود، نوعی فساد است که در سطوح بالای قدرتمندان سیاسی مشاهده می‌شود. این نوع فساد شامل فساد در بخش تصمیم‌گیرنده‌های جامعه می‌باشد که از آن جمله می‌توان به مواردی که سیاستمداران از موقعیت خود برای دستیابی به سود شخصی استفاده می‌کنند اشاره کرد؛ مثل دریافتی از قراردادهایی که دولت از آن‌ها دست کشیده است و یا اختلاس مبالغ هنگفتی از منابع عمومی.

فساد جزئی که به عنوان فساد اداری شناخته می‌شود، فساد در سطح اداره‌های دولتی است. این نوع فساد در سطح پایین‌تر جامعه بوده و یک شهروند در زندگی روزانه‌اش تجربه می‌کند. برای مثال وقتی اتفاق می‌افتد که شهروند به اجبار در برخورد با کارمند دولت رشوه‌ای را بپردازد تا خدماتی را دریافت و یا از مجازاتی رهایی یابد.

۲-۲- فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر این که یک منبع تأمین سرمایه است منبع فن‌آوری‌های جدید، مهارت‌های مدیریتی و سازماندهی و شبکه‌ی بازاریابی نیز بوده و مانند کانالی عمل می‌کند که فن‌آوری را در

سطح بین‌المللی منتشر می‌سازد. این مسأله موجب شده که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان مهم‌ترین منبع رشد در کشورهای در حال توسعه شناخته شود (Borensztein, et. al, 1998). صندوق بین‌المللی پول بر این اعتقاد است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، «سرمایه‌گذاری انجام‌شده برای به دست آوردن منافع پایدار در بنگاهی است که خارج از کشور سرمایه‌گذار فعالیت می‌کند» و هدف از این سرمایه‌گذاری «به دست آوردن مدیریت آن بنگاه» است. سرمایه‌گذاری مستقیم را می‌توان به کمک این ضابطه که برای کسب منافع پایدار و نیز قدرت لازم در مدیریت بنگاه صورت می‌گیرد از سرمایه‌گذاری غیرمستقیم بازشناخت، اما خصوصیت بارز این سرمایه‌گذاری‌ها آن است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی تنها یک سرمایه‌گذاری نیست، بلکه می‌تواند انتقال تکنولوژی، تجربه‌ها و مهارت‌های مربوط به مدیریت و بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را نیز به همراه داشته باشد که ممکن است اهمیت آن برای کشور پذیرای سرمایه‌گذاری مهم‌تر از ورود سرمایه صرف باشد. بر اساس این تعریف، می‌توان عوامل موثر بر تعیین جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شامل جستجوی بازار، جستجوی کارایی، جستجوی منابع، جستجوی دارایی و فضای مناسب سرمایه‌گذاری دانست. به طور کلی، عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول، عوامل موثر بر میزان سودآوری و دسته دوم عوامل موثر بر امنیت و فضای سرمایه‌گذاری است. برخی از این عوامل ریشه در فرهنگ یا ساختار سیاسی یک کشور دارند و برخی به رویکرد اقتصادی دولت‌ها مربوط می‌شوند (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸).

در جامعه‌ای که نهادهای مرتبط با سرمایه‌گذاری و تولید پیشرفته و کارآمد هستند هزینه سرمایه‌گذاری و تولید کمتر است. در مقابل جوامعی که نهادهای ناکارآمد و «دولت‌امنیت‌زدا» دارند معضلاتی همچون فساد اقتصادی، مقررات زاید، نرخ‌های بالای مالیاتی، بی‌ثباتی اقتصادی، موانع تجاری و نقض حقوق مالکیت را تجربه می‌کنند. وجود همین معضلات است که هزینه فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد.

یک برهان متداول در ادبیات اقتصادی این است که رشوه‌دهی به منظور دور زدن کنترل‌های نادرست دولتی، به مقررات‌زدایی غیررسمی شباهت دارد و می‌تواند موجب رونق و تشویق فعالیت‌های اقتصادی شده و چرخ‌های تجارت را سریع‌تر به گردش درآورد. برخی محققان، با تأکید بر ناکارآمدی قوانین و نهادها در کشورهای در حال توسعه، فساد اداری را روشی برای غلبه بر ناکارآمدی قوانین و مقررات می‌دانند و معتقدند که فساد نقش روغن را برای چرخ‌های خشک این نظام‌های اداری و اقتصادی ایفا کرده و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند. ساونا^۵ (۱۹۹۷) بیان می‌کند که فساد تأثیرهای منفی بلندمدت دارد اما می‌تواند در کوتاه مدت چرخ‌های اقتصادی را روان کند. دلایل ارائه‌شده برای این استدلال از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که برخی کشورها که سطح فساد در آن‌ها بالاست، رشد اقتصادی زیادی نیز داشته‌اند. البته پیره^۶ (۲۰۱۱)، نشان می‌دهد که اقتصادهای در حال گذاری که اغلب سطوح بالایی از فساد داشته و درعین حال میزان زیادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب می‌کنند، دارای سطوح بالایی حمایت از سرمایه‌گذاران هستند.

بنابراین در شرایط خاصی ممکن است فساد موجب افزایش کارایی و تحریک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. برای مثال هنگامی که شرکت‌ها تمایل به پرداخت رشوه دارند، فساد به عنوان یک «دست یاری‌دهنده» عمل کرده و درآمدهای آن‌ها را افزایش می‌دهد (Olson, 1993; Egger, and Winner, 2005). فساد می‌تواند روش مؤثری برای دور زدن مقررات و سیستم قانونی ناکارآمد بوده و موجب تسریع مراحل اداری و کاغذبازی شود و به سرمایه‌گذاران در گرفتن مجوزها هنگام راه‌اندازی طرح‌ها و پروژه‌های خارجی و همچنین دستیابی به پروژه‌های دولتی کمک کند (Tanzi, and Davoodi, 2000).

به طور کلی کیفیت سازمان و مؤسسات سیاسی به دو رژیم دولتی طبقه‌بندی می‌شود که به شکست اداری وابسته است، به این معنا که یک رژیم کیفیت سیاسی بالایی دارد و دیگری از کیفیت سیاسی کمی برخوردار می‌باشد. کیفیت پایین سازمان‌ها و مؤسسه‌ها منجر به ایجاد فساد و کیفیت بالا مانع ایجاد فساد می‌شود (Aidt, 2008).

بر اساس میزان قدرت احتیاطی یک کارمند یا مسئول دولتی، درجه و میزان مسئولیت‌پذیری، میزان قوانین و مقررات، میزان ریسک و تمایل به فساد افزایش می‌یابد (Savona 1997).

در سال‌های بعد از ۱۹۹۵ تحقیق‌های بسیاری در زمینه اثرهای فساد اداری انجام شده است که نتایج آن‌ها، استدلال‌های کارآمدی فساد را با چالش مواجه کرده است. مکتب ناکارآمدی فساد بیانگر این حقیقت است که فساد، حرکت به سمت توسعه را کند می‌کند. شواهد محکمی موجودند مبنی بر اینکه سطوح بالاتر فساد با رشد کمتر و درآمد سرانه پایین مرتبط است (بانک جهانی، ۱۳۸۴).

اندیشمندان گرچه در زمینه جنبه‌های مختلف فساد و آثار آن توافق چندانی ندارند، اما همه بر این نکته تاکید دارند که فساد، ناشی از حکمرانی ضعیف است. حکمرانی خوب به عنوان یک پیش‌شرط اساسی برای عملکرد مناسب بازارها و بنابراین ایجاد شرایط جذاب سرمایه‌گذاری است (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸)؛ بنابراین فساد که اغلب به عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب تصور می‌شود و یکی از عوامل تعیین‌کننده حکمرانی خوب است از عوامل تأثیرگذار بر فضای سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. فساد باعث کاهش انگیزه و انحراف سرمایه‌گذاری می‌شود چرا که رشوه باعث افزایش ریسک و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و تخصیص نامناسب منابع می‌گردد. همچنین، فساد از طریق سیاست‌های ناسالم اقتصادی یا نهادی به دلیل حضور گروه‌های ذی‌نفوذ قدرتمند، تخصیص ناموزون هزینه‌ها، تصرف قانون و اختلال در سیاست‌گذاری توسط نخبگان ذی‌نفوذ شرکتی، غیبت حاکمیت قانون و حقوق مالکیت، مانع سرمایه‌گذاری می‌گردد (Vinod, 2000).

فساد می‌تواند به اشکال مختلفی ظاهر شود که از آن جمله می‌توان به اختلاس بودجه خدمات دولتی، پرداخت رشوه برای دریافت مجوز کسب‌وکار، پرداخت به نمایندگان مجلس برای نفوذ در محتوای قوانین و رشوه‌خواری در قراردادهای دولتی اشاره کرد. منطقی است که باور داشته باشیم این فعالیت‌ها نتایج متفاوتی بر روند سرمایه‌گذاری دارند؛ گرچه مطالعه‌ای که در آن اثر انواع مختلف فساد بر سرمایه‌گذاری خارجی بررسی شده باشد، به ندرت در متون اقتصادی یافت می‌شود. تنها نوع متفاوت فساد که موضوع تحقیق‌ها قرار گرفته است مربوط به پیش‌بینی‌پذیری و فرصت‌طلبی است. بانک جهانی بیان می‌کند که دو نوع فساد

وجود دارد. نوع اول که فرد پول مشخصی را می‌پردازد و به خواسته خود می‌رسد و در نوع دوم فرد پولی که بر سر آن توافق شده است را می‌پردازد اما در مورد دریافت خدمت مورد نظر مطمئن نیست. این نظریه در مطالعه‌ای توسط بانک جهانی بررسی شده است. این مطالعه با سؤال در مورد پیش‌بینی پذیر بودن فساد (عدم وجود فرصت‌طلبی) که در کشور شایع شده است، انجام شده و علاوه بر هزینه فساد چگونگی دریافت خدمات مورد نظر بعد از پرداخت رشوه را نیز بررسی کرده است. بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ اثر این دو متغیر را بر نسبت سرمایه‌گذاری به GDP در ۳۹ کشور صنعتی و در حال توسعه مورد آزمون قرار داده و چنین نتیجه گرفته است که برای سطح معینی از فساد، کشورهایی با پیش‌بینی پذیری بیشتر و فرصت‌طلبی کمتر از نرخ بیشتر سرمایه‌گذاری بهره می‌برند. علاوه بر آن، کامپوس و همکاران^۷ (۱۹۹۹)، نتیجه گرفته‌اند که نوع فساد در تحلیل نتایج اقتصادی آن تأثیرگذار است. لامسدروف^۸ (۲۰۰۳)، بیان می‌کند که به غیر از میزان فساد، فرصت‌طلبی (چقدر رشوه دهنده می‌تواند مطمئن باشد که بعد از اولین پرداخت، رشوه‌گیرنده خدمت مورد نظر را ارائه می‌کند) جریان سرمایه سالانه کشور را کاهش می‌دهد.

اما پیش‌بینی‌پذیری تنها راه برای در نظر گرفتن جهت های مختلف فساد نیست. مقادیر کمی زیرشاخص‌های فساد شامل: (۱) دریافت مجوز صادرات و واردات، (۲) دسترسی به خدمات عمومی مثل تلفن و برق، (۳) پرداخت مالیات سالانه، (۴) اعطای وام، (۵) اعطای قراردادهای سرمایه‌گذاری عمومی، (۶) اثرگذاری بر قانون و سیاست‌ها و تعدیل یا کاهش قانون به نفع منافع حاصل از کسب و کار خود و در نهایت (۷) اثرگذاری بر تصمیم‌های قضایی که در گزارش رقابت‌پذیری که هر سال توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌گردد، در دسترس است و امکان بررسی اثر هر کدام از آن‌ها را امکان‌پذیر می‌نماید. مقادیر این متغیرها از ۱ الی ۷ و به صورت میانگین پاسخ‌هایی که به پرسش‌های تنظیم‌شده برای بیش از ۵۰ شغل در هر کشور داده شده، ارائه می‌گردد.

در پرسش‌نامه‌های مربوطه سؤال‌های زیر پرسیده می‌شود:

- (۱) در صنعت شما، بنگاه‌ها برای اخذ مجوز واردات و صادرات، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟
- (۲) در صنعت شما، بنگاه‌ها برای دریافت امکانات و تسهیلات عمومی، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟
- (۳) در صنعت شما، بنگاه‌ها برای عدم پرداخت یا کاهش مالیات سالیانه، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟
- (۴) در صنعت شما، بنگاه‌ها در خصوص قراردادهای دولتی (پروژه‌های سرمایه‌گذاری)، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟
- (۵) در صنعت شما، بنگاه‌ها برای درخواست و اخذ وام، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟

۶) در صنعت شما، بنگاه‌ها جهت اثرگذاری بر قوانین و سیاست‌ها، تعدیل یا کاهش قوانین به نفع منافع کسب و کار خود، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت نشده یا رشوه می‌پردازند؟

۷) در صنعت شما، بنگاه‌ها برای اخذ تصمیم‌های قضایی مورد نظر خود، چقدر پرداخت‌های اضافی ثبت‌نشده یا رشوه می‌پردازند؟

فساد در دسترسی به خدمات دولتی، تعیین مالیات و درخواست و اخذ وام از نوع فساد جزئی بوده و فساد در قراردادهای دولتی، قانون و سیاست‌ها و تصمیم‌های قضایی از نوع فساد بزرگ هستند.

پرداخت رشوه برای دسترسی به تسهیلات و امکانات عمومی معمولاً بعد از اینکه سرمایه‌گذار متحمل هزینه سرمایه‌گذاری می‌شود، اتفاق می‌افتد درحالی‌که فساد در قراردادهای دولتی قبل از اینکه سرمایه‌گذار منابع خود را متعهد به انجام کاری کرده باشد اتفاق می‌افتد.

۳- پیشینه تحقیق

تا اوایل دهه ۱۹۹۰ تأثیر فساد بر کسب‌وکارهای بین‌المللی مستقیم به عنوان یک موضوع جداگانه در مطالعه‌های تجربی وجود نداشت و به طور ضمنی با دیگر عوامل در شاخص‌های ترکیبی ثبات سیاسی بررسی می‌شد (Habib, and Zurawicki, 2010).

دیدگاه‌های مختلفی در مورد اثرگذاری فساد بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نتایج متناقضی را نشان می‌دهد. برخی مطالعه‌های ارتباط مثبت بین فساد و FDI را نشان دادند. به عنوان مثال ایگر و وینر^۹ (۲۰۰۵)، با مطالعه مجموعه‌ای از ۷۳ کشور توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته در دوره ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹، رابطه مثبت معنی‌داری بین فساد و FDI یافتند و در نهایت چنین جمع‌بندی نمودند که فساد یک محرک برای FDI است؛ اما اغلب مطالعه‌های در این زمینه بر اثرگذاری منفی فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید دارد. مائورو^{۱۰} (۱۹۹۵)، ویی^{۱۱} (۲۰۰۰) و سلدادیو و هان^{۱۲} (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که فساد یک عامل کاهش انگیزه برای FDI است. عابد و داودی^{۱۳} (۲۰۰۰) نیز نشان دادند کشورهای با سطح پایین فساد، FDI سرانه بیشتری را جذب می‌کنند.

ویی (۲۰۰۰)، اثر فساد بر ترکیب جریان سرمایه را با استفاده از داده‌های جریان سرمایه از ۱۴ کشور مبدأ به ۵۳ کشور مقصد مورد بررسی قرار داد. یافته‌های وی بیان می‌کند که اثر منفی فساد بر FDI بزرگ‌تر از اثر آن بر انواع دیگر جریان‌های سرمایه است.

جاورسیک و ویی^{۱۴} (۲۰۰۹) دریافتند که فساد موجب شفافیت کمتر بوروکراسی محلی شده و بنابراین همانند یک مالیات بر سرمایه‌گذاری خارجی عمل می‌کند. همچنین، فساد بر تصمیم‌گیری در مورد داشتن شریک محلی برای عبور از ماریپیچ دیوانسالارانه تأثیرگذار است و ساختار مالکیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به سمت سرمایه‌گذاری مشترک منتقل می‌سازد.

الصدیق^{۱۵} (۲۰۰۹)، اثرهای فساد بر جریان FDI را با استفاده از روش اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های تابلویی برای ۱۱۷ کشور میزبان طی دوره‌های ۲۰۰۴-۱۹۸۴ مورد بررسی قرارداد. نتایج این پژوهش نشان

داد که سطح فساد در کشور میزبان اثر های معکوسی بر جریان FDI دارد؛ بطوریکه یک واحد افزایش در سطح فساد باعث کاهش ۱۱ درصدی در جریان FDI سرانه می‌شود.

گروه دیگری از پژوهش‌ها نیز به ارتباط معنی‌داری بین فساد و FDI دست نیافته‌اند.^{۱۶} آکای^{۱۷} (۲۰۰۱) با استفاده از داده‌های ۵۲ کشور در حال توسعه و دو شاخص متفاوت فساد، موفق به یافتن شواهدی مبنی بر رابطه منفی بین FDI و فساد نشد. او نتیجه گرفت که مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده FDI، اندازه بازار، نرخ مالیات بر شرکت‌ها، هزینه‌های نیروی کار و آزادی تجاری است. دلیوس و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۵) نیز با بررسی جریان‌های FDI کل بنگاه‌های ژاپنی به اقتصاد اروپا، هیچ تأثیر مستقیمی از فساد بر FDI نیافتند. در عوض آن‌ها مطرح می‌کنند که نه تنها فساد بلکه مجموعه‌ای از شرایط نهادی باید در نظر گرفته شود.

گوستاوسون^{۱۹} (۲۰۱۰) در مطالعه خود نشان داد که فساد تأثیر قابل‌توجهی در انتخاب کشور مقصد ندارد. با این حال او دریافت که پس از انتخاب کشور میزبان، در سطوح بالای فساد، تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری خارجی منفی است درحالی که در سطوح متوسط، ممکن است فساد همانند روغن برای ماشین‌آلات سرمایه‌گذاری بوده و حجم نهاده‌های تهیه شده از کشور مقصد را محدود نسازد.

برخی از تحقیق‌های بر تفاوت سطوح فساد در کشورهای مبدأ و مقصد تأکید دارند. کیان و همکاران^{۲۰} (۲۰۱۲) و حبیب و زوراویکی^{۲۱} (۲۰۰۲) دریافتند که اختلاف میان سطوح فساد در کشور مبدأ و میزبان تأثیر منفی بر جریان های FDI دارد. هنگامی که بنگاه‌ها در کشور خود در معرض فساد هستند تجارب و مهارتی در این رابطه کسب کرده و می‌توانند سطوح مشابه فساد در کشور میزبان را کنترل کنند. انتخاب بازار مشابه نااطمینانی را کاهش می‌دهد و شناخت کشور میزبان موجب ترویج FDI می‌شود.

اونیو^{۲۲} (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل جریان مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای در حال توسعه؛ آیا منطقه منا از جاهای دیگر متفاوت است؟» انجام داده و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته را بررسی نموده است. این مطالعه با استفاده از اطلاعات ۵۱ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی ۱۹۷۵-۱۹۹۹ نقش عوامل اقتصادی و ساختاری را بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بررسی نموده و به این نتیجه می‌رسد که در منطقه منا عامل فساد نقش اساسی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. راه حل رفع این مانع، اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی جهت کاهش حجم دولت و در نتیجه کاهش فساد است؛ بنابراین، در منطقه منا، خصوصی‌سازی استراتژی اساسی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شود.

چتینگ و کاندیرو^{۲۳} (۲۰۰۳) به بررسی رابطه تولید ناخالص داخلی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آفریقا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی متغیر مناسبی برای نشان دادن درجه باز بودن اقتصاد به ویژه در بخش خدمات می‌باشد. آن‌ها متغیرهای اثرگذار بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را چنین برشمردند که درجه باز بودن اقتصاد، مالیات بر بازرگانی بین‌المللی که عبارت است از عوارض وارداتی و صادراتی و مالیات بر سرمایه‌گذاری شامل مالیات بر درآمد سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌ها که شامل جاده‌ها بر حسب هزار کیلومتر می‌شود، دستمزدهای داخلی، نرخ ارز

موثر واقعی و فساد که بیانگر فساد در دستگاه دولتی به معنای درخواست پرداخت‌های ویژه و رشوه برای دستیابی به پروانه‌های صادراتی و وارداتی است.

تیلور و دریفیدید^{۲۴} (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بازار نیروی کار در انگلستان پرداخته و ضمن تأیید فرضیه وجود رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیروی کار به این نتیجه رسیدند که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان باعث افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر گردیده و موجب افزایش دستمزد نیروی کار ماهر می‌شود؛ همچنین موجب انتقال تکنولوژی شده و ارتباط مثبت و معنادار چگونگی تقسیم نیروی کار ماهر و بهره‌وری نیروی کار و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نیز تأیید نمود. وی در زمینه بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو جاذبه در اوایل دهه ۱۹۹۰ از ۱۴ کشور مبدأ به ۴۱ کشور میزبان معتقد است کاهش فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک کشور فاسد موجب می‌گردد که نرخ مالیات نهایی شرکت‌ها ۲۰ درصد کاهش یابد. بسیاری از کشورهایی که مبتلا به فساد هستند برای اغوای شرکت‌های چندملیتی انگیزه‌های مالیاتی قابل توجهی فراهم می‌آورند، درحالی‌که با کنترل فساد حداقل همان میزان سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنند. وی با استفاده از روش تخمین داده‌های مقطعی نشان می‌دهد که فساد و نرخ‌های مالیات تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای عضو OECD دارد.

باربسی و بینگ زو (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای برای ۵۲ کشور درحال توسعه و توسعه یافته در بازه زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۶ با استفاده از روش‌های پارامتری و ناپارامتری به این نتیجه رسیدند که فساد تأثیر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

موریسی^{۲۵} (۲۰۱۲) در مقاله خود تحت عنوان «حاکمیت، سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه» با استفاده از داده‌های سالانه کل برای ۴۶ کشور در حال توسعه در قلمروی زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۶ به بررسی رابطه بین حکومت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که میزان تأثیر مستقیم فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سایر شاخص‌های حکمرانی که شامل ثبات سیاسی، عدم خشونت، کیفیت نظارتی و حاکمیت قانون است بیشتر می‌باشد.

حسین زاده بحرینی (۱۳۸۳) مقاله‌ای با عنوان عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران منتشر کرده است و درباره میزان امنیت در یک اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن کننده‌ی فضای سرمایه‌گذاری در آن به دو شیوه به مطالعه پرداخته است. در شیوه نخست که متضمن رویکردی عینی به مقوله امنیت است، استحکام یا ضعف نهادهای امنیت ساز در کشور مورد توجه قرار می‌گیرند. شیوه دوم متضمن رویکردی ذهنی به مقوله امنیت است که میزان امنیت در یک کشور و عوامل امنیت زدا و میزان تأثیر هر یک از آن عوامل بر ناامنی محیط کسب و کار، از متقاضیان واقعی امنیت، یعنی سرمایه‌گذاران - بالفعل یا بالقوه - استعلام می‌شود. منطق رویکرد حاضر این است که برای اقدام به سرمایه‌گذاری در یک کشور یا صنعت خاص، «احساس امنیت» از جانب افرادی که متقاضی سرمایه‌گذاری هستند، موضوعیت دارد.

حیدری و افشاری (۱۳۹۱) با بررسی ۸۳ کشور جهان به این نتیجه رسیدند که تولید ناخالص داخلی، شاخص حکمرانی و پایداری محیطی به ترتیب بیشترین تأثیر را در افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارند.

مهرآرا و اسدیان (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای ۱۵ کشور با درآمد متوسط بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ پرداختند. آن‌ها با تفکیک شاخص حکمرانی خوب به اجزای آن یعنی حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد نشان دادند که در میان این مؤلفه‌ها، فساد مهم‌ترین عامل بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی است.

درگاهی (۱۳۸۵) نشان داد که شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه در تعامل با سرمایه انسانی زمینه‌ساز جذب FDI است. اثر رشد اقتصادی و آزادی اقتصادی بر جریان ورودی FDI مثبت و اثر افزایش ریسک‌های مالی، اقتصادی و سیاسی منفی است.

۴- معرفی الگو، متغیرها و داده‌های تحقیق

برای بررسی تأثیر زیر شاخص‌های فساد بر جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نمونه‌ای متشکل از کشورهای توسعه‌یافته در نظر گرفته شده و با الهام از مبانی نظری و مطالعات تجربی الگوی اقتصادسنجی زیر بکار برده شده است:

$$\ln FDI_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Corruption}_{it} + \beta_2 X_{it} + u_{it}$$

که در آن:

$\ln FDI$ = In خالص جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

Corruption = مؤلفه‌های فساد شامل:

C (Import/Export Permits) = فساد در اخذ مجوز واردات و صادرات

C (Access to Public Utilities) = فساد در دسترسی به خدمات عمومی مثل تلفن و برق

C (Tax Payments) = فساد در پرداخت مالیات سالیانه

C (Investment Contracts) = فساد در قراردادهای سرمایه‌گذاری

C (Loan Applications) = فساد در درخواست وام

C (Legislative) = فساد از طریق اثرگذاری بر قانون و سیاست‌ها و تعدیل قانون به نفع منافع

حاصل از کسب و کار خود

C (Judicial) = فساد از طریق اثرگذاری بر تصمیمات قضایی

X بردار متغیرهای کنترل شامل:

GDP per capita = تولید ناخالص داخلی سرانه

Index of Law and Order = شاخص نظم و قانون

Population = جمعیت

Trade = سهم صادرات و واردات در GDP

CPI = شاخص قیمت مصرف‌کننده

i = نشان‌دهنده کشور مورد نظر

t = نشان‌دهنده زمان (سال) و

u = جمله اختلال مدل رگرسیون می‌باشد.

در این مدل، متغیرهای تولید ناخالص داخلی، آزادی تجاری، شاخص نظم و قانون، جمعیت و شاخص قیمت مصرف‌کننده به عنوان متغیرهای کنترلی به کار برده شده‌اند. متغیر جمعیت معیاری از اندازه بازار بوده و متغیر تولید ناخالص داخلی معیاری برای نشان دادن قدرت خرید در بازار است. متغیر آزادی تجاری که برابر با نسبت مجموع صادرات و واردات به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی هر کشور است به عنوان جایگزینی برای نشان دادن موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای استفاده می‌شود. میزان بیشتر این متغیر نشان‌دهنده سهولت در تجارت و موانع کمتر در این رابطه است. متغیر شاخص نظم و قانون برای کنترل وجود چارچوب سازمانی دقیق بر اساس حکم قانون وارد مدل شده است. میزان این متغیر در بازه ۱ تا ۶ قرار دارد که عدد ۶ مربوط به بهترین نتیجه است. متغیر شاخص قیمت مصرف‌کننده معیاری برای سطح قیمت در بازار داخلی می‌باشد.

آمار مربوطه به شاخص‌های مربوط به فساد از گزارش سالانه رقابت‌پذیری منتشرشده توسط مجمع جهانی اقتصاد، متغیرهای اقتصاد کلان بکار برده شده به عنوان متغیرهای کنترل از سایت بانک جهانی و شاخص نظم و قانون از گزارشات ICRG (راهنمای بین‌المللی ریسک کشور) در بازه زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ جمع‌آوری شده است.

۵- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

پیش از تخمین مدل باید مشخص کنیم که آیا عرض از مبدأ مدل برای مقاطع مختلف یکسان است یا متفاوت؟ در صورتی که مقاطع دارای عرض از مبدأ واحد باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات تجمیع‌شده^{۲۶} استفاده نمود و در غیر این صورت ضرورت استفاده از روش داده‌های تابلویی احراز می‌شود. به لحاظ آماری این قضیه با استفاده از آزمون F مورد آزمون قرار می‌گیرد. در این مطالعه با توجه به اینکه آماره F محاسبه‌شده (۷۰۶۶) از F بحرانی جدول به مراتب بزرگ‌تر می‌باشد بنابراین فرضیه صفر مبنی بر مساوی بودن عرض از مبدأ همه کشورها رد می‌شود. با توجه به اینکه کشورهای مورد بررسی در این مطالعه نمونه‌ای منتخب از کشورهای در حال توسعه بوده و ناهمگن می‌باشند، نتیجه آزمون F به لحاظ نظری نیز پذیرفته می‌شود. بایستی در گام بعدی پرداخت به انتخاب روش برآورد داده‌های تابلویی که به دو صورت روش اثرات ثابت^{۲۷} و روش اثرهای تصادفی^{۲۸} برآورد می‌شود. برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب بین دو روش یادشده باید توجه داشت که روش اثرهای ثابت اغلب کارایی همگانی دارد که کل جامعه آماری در

نظر گرفته شود؛ در صورتی که از کل جامعه بزرگی نمونه‌ای به صورت تصادفی انتخاب شود، روش اثر های تصادفی کارا تر خواهد بود. برای تعیین روش برآورد در داده‌های تابلویی از آماره هاسمن استفاده می‌کنیم که رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش اثر های ثابت است. برای این منظور آزمون هاسمن را انجام داده‌ایم که نتایج آن (جدول ۱) انتخاب روش اثر های تصادفی را نشان می‌دهد که با مفهوم نظری این روش نیز مطابقت دارد؛ چرا که نمونه‌ای تصادفی از کشورهای در حال توسعه به عنوان نمونه آماری مطالعه انتخاب شده است.

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون هاسمن

آماره هاسمن	آماره کای-دوی جدول	احتمال	نتیجه آزمون
۱,۶۲	۱۱,۰۷	۰,۹	انتخاب روش اثرات تصادفی

منبع: محاسبه های تحقیق

جدول ۲، نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثر های تصادفی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثر های تصادفی

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال مربوطه	آماره‌های مهم
C	۱۱,۰۱*	۷,۳۲	۰,۰۰۰	F = ۲۷,۶۸ R ² = ۰,۸۵ D.W = ۱/۸۶
C (Import/Export Permits)	-۰,۷۲*	-۶,۴۱	۰,۰۰۰	
C (Access to Public Utilities)	۰,۵۷**	۲,۴۸	۰,۰۲	
C (Tax Payments)	۰,۳۱*	۵,۲۹	۰,۰۰۰	
C (Investment Contracts)	۰,۲۱	۰,۵۸	۰,۵۶	
C (Loan Applications)	۰,۱۸	۰,۹۷	۰,۳۳	
C (Legislative)	-۰,۴۵	-۰,۸۹	۰,۳۷	
C (Judicial)	۰,۳۸**	۲,۰۵	۰,۰۵	
GDP per capita	-۰,۸۶*	-۴,۵۷	۰,۰۰۰	
Index of Law and Order	۰,۲۲**	۲,۸۸	۰,۰۷	
Population	۰,۰۸	۰,۷۸	۰,۴۶	
Trade	۰,۰۰۲۸*	۳,۹۹	۰,۰۰۰	
CPI	۰,۰۰۰۳*	۵,۳۶	۰,۰۰۰	

C: عرض از مبدأ * معناداری در سطح ۱٪ ** معناداری در سطح ۵٪ *** معناداری در سطح ۱۰٪

منبع: محاسبه های تحقیق

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، مشاهده می‌شود که بیشترین اثر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مربوط به زیرشاخص دریافت مجوز واردات و صادرات می‌باشد. ضریب این نوع فساد مقدار منفی است که نشان از نقش مثبت آن بر FDI دارد؛ به بیان دیگر فساد در دریافت اجازه واردات و صادرات به عنوان محرکی برای سرمایه‌گذار خارجی به حساب می‌آید. یک سرمایه‌گذار توانایی انتخاب دارد به کشور دیگری صادرات داشته باشد و یا به ساخت کارخانه و تولید محصول برای بازار داخلی اقدام نماید. اگر بخش واردات و صادرات کشور میزبان آلوده به فساد باشد، انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری و دور زدن این موانع به وجود می‌آید.

بعد از فساد در اخذ مجوز واردات و صادرات، دسترسی به خدمات عمومی بالاترین اثر را بر جریان FDI دارد. علامت مثبت این ضریب نشان از اثر منفی این نوع فساد بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. به طور مشابه، ضریب مثبت فساد در پرداخت مالیات و تصمیم‌های قضایی نیز بیانگر این مطلب است که این نوع از فساد، سرمایه‌گذاران خارجی را از انجام سرمایه‌گذاری بازمی‌دارد. بنابراین افزایش فساد در زیر شاخص‌های خدمات عمومی، پرداخت مالیات و تصمیم‌های قضایی باعث کاهش روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان می‌شود.

فساد در پرداخت رشوه به منظور اثرگذاری بر قانون و سیاست‌ها دارای ضریب منفی، فساد در قراردادهای عمومی و همچنین دریافت وام دارای ضریب مثبت هستند. این سه متغیر بی‌معنی و اثری بر جریان FDI ندارند.

در نتیجه فسادهای جزئی مثل خدمات عمومی و پرداخت مالیات نسبت به فسادهای بزرگ اثرگذاری بیشتری در روند کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

در بین سایر متغیرها، GDP سرانه اثر منفی معنی‌داری بر جریان FDI دارد. این مساله قضیه تئوری رشد را نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که جریان سرمایه باید از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر باشد زیرا تولید نهایی سرمایه در کشورهای گروه دوم بالاتر است. سطح تورم و درجه باز بودن کشور که توسط CPI و میزان تجارت نشان داده می‌شوند، دارای ضریب مثبت و معنی‌داری در رگرسیون هستند. بر این اساس افزایش تورم و تجارت بین‌المللی موجب افزایش انگیزه ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشورهای درحال توسعه مورد بررسی شده و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها را افزایش می‌دهد. البته مقدار این دو ضریب کم است و اثرگذاری آن‌ها بر FDI نسبت به سایر متغیرها قابل توجه نیست. نتایج نشان می‌دهد که متغیر جمعیت دارای ضریب مثبت است اما اثری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد بررسی ندارد.

۶- جمع بندی

اکثر مطالعه‌های تجربی صورت گرفته در خصوص ارتباط میان فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ارتباط منفی میان این دو متغیر اشاره کرده که فساد با ایجاد هزینه‌های بالا و ناطمینانی موجب عدم

جذابیت کشور میزبان برای سرمایه‌گذاران شده و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی را از بین می‌برد؛ اما برخی از مطالعه‌های نیز نتوانسته‌اند ارتباط آماری معنی‌داری بین آن دو پیدا کنند. در این پژوهش تلاش شد تا ارتباط بین فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که موضوع بحث بسیاری از محافل علمی و سیاسی در اقتصاد می‌باشد به طور جزئی‌تر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، مساله اصلی پژوهش یافتن ارتباط بین زیربخش‌های مختلف فساد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه بود که با استفاده از برآورد به روش پانل نامتوازن و الگوی اثر‌های تصادفی انجام شد. نتایج نشان داد که اثر زیربخش‌های مختلف فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متفاوت است و فساد در دسترسی به خدمات عمومی، پرداخت مالیات و تصمیم‌های قضایی اثر منفی، اما فساد در دریافت مجوز صادرات و واردات دارای اثر مثبت بر جریان FDI می‌باشد.

به طور کلی فساد برای جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی عامل تعیین‌کننده‌ای می‌باشد، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای محیط نهادی و قانونی ضعیفی هستند. محیط نهادی یک کشور شامل قوانین رسمی که توسط نهادهای قانونی و سیاسی آن تعریف می‌شود و همچنین قوانین غیررسمی که با توجه ابعاد فرهنگی و اجتماعی یک کشور بسط می‌یابد. فساد اغلب به عنوان پیامد محیط نهادی نامناسب تصور و یکی از ابعاد مهم شفافیت نهادهای قانونی و سیاسی یک کشور است؛ بنابراین تأثیر عمده‌ای بر ریسک و نااطمینانی سیاسی و بار مقررات دارد. تعامل تصمیم‌گیرندگان بنگاه از یک طرف و نهادهایی که قادرند رانت‌های قانونی یا رشوه‌های غیرقانونی از بنگاه‌ها استخراج کنند از طرف دیگر موجب ایجاد فساد می‌شود.

از آن‌جا که سرمایه‌گذاری از عوامل تعیین‌کننده رشد در یک اقتصاد محسوب می‌شود، کاهش انگیزه در این بخش، کاهش تولید و رشد اقتصادی را در دوره‌های بعد باعث خواهد شد. برطرف نمودن اثر بخش فساد نیازمند به‌کارگیری استراتژی‌های جامعی است که قادر به ایجاد اصلاح‌های عمیق در حیطه‌ای گسترده از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی جامعه باشد. نظارت جامعه مدنی بر تصمیم‌گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این امور نیز ابزار مهمی برای مبارزه با فساد است. این فرایند باعث شفاف شدن دولت و در نتیجه ایجاد فرهنگ شفاف‌سازی متضمن تغییری بنیادی در شیوه تصمیم‌گیری در بخش دولتی است.

فهرست منابع

- ۱) بانک جهانی، ۱۳۸۴؛ نقش دولت در جهان درحال تحول، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء [و دیگران]، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی: تهران.
- ۲) بانک جهانی، (۱۳۸۵)، گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲: نهادسازی برای بازار، ترجمه علی حبیبی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: تهران.
- ۳) درگاهی، حسن؛ ۱۳۸۵، «عوامل مؤثر بر توسعه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران»، فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، شماره ۳۶، صص. ۷۳-۵۷.
- ۴) حسین زاده بحرینی، محمد حسین؛ ۱۳۸۳، «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران»، جستارهای اقتصادی، شماره ۲، صص. ۱۵۵-۱۰۹.
- ۵) حیدری، پروین؛ افشاری، زهرا؛ ۱۳۹۱، «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی در دوره (۱۹۹۶-۲۰۰۷)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول، صص. ۱۴۱-۱۷۰.
- ۶) عاقلی کهنه شهری، لطفعلی؛ ۱۳۸۴، «تخمین تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی»، نشریه پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۱۷، صص. ۲۰۸-۱۸۹.
- ۷) مهرآرا، محسن؛ اسدیان، زینب؛ ۱۳۸۸، «تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۵)، شماره دوم، صص. ۲۰-۱.
- 8) Abed, G., and Davoodi, H., (2000), "Corruption, Structural Reforms and Economic Performance in the Transition Economies," IMF Working Paper No. 132.
- 9) Alesina, A. and B. Weder, (2002), "Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid?" American Economic Review, 92 (4): 1126-37.
- 10) Akçay, S., (2001), "Is Corruption an Obstacle for Foreign Investors in Developing Countries? Cross-Country Evidence" Yapi Kredi Economic Review 12 (2): 27-34.
- 11) Al-Sadig, Ali, (2009), "The Effects of Corruption on FDI Inflows" Cato Journal, Vol. 29, No. 2.
- 12) Baltagi, Badi, H., (2005), "Econometric Analysis of Panel Data", 3rd ed., John Wiley & Sons, England.
- 13) Bardhan, P., (1997), "Corruption and Development: A Review of Issues" Journal of Economic Literature, XXXV, 1320-46.
- 14) Borensztein, E., De Gregorio, J., and Lee, J-W., (1998), "How does foreign direct investment affect economic growth," Journal of International Economics, 45(1): 115-35.
- 15) Campos, J.E., D. Lien and S. Pradhan (1999), "The Impact of Corruption on Investment: Predictability Matters." World Development, XXVII (6), 1059-67.
- 16) Delios, A., Mudambi, R., and Navarra, P., (2005), "Corruption and FDI: Japanese FDI inflows into the EU, 1996-2002" in, Corporate and Institutional Transparency for Economic Growth in Europe, (Ed) Lars Oxelheim. Elsevier, Amsterdam
- 17) Egger, P. and Winner, H., (2005), "Evidence on Corruption as an Incentive for Foreign Direct Investment," European Journal of Political Economy, 21(4): 932-52.
- 18) Glass, A., and Wu X., (2002), "Does Corruption Discourage Foreign Direct Investment and Innovation?" unpublished working paper. Texas A&M University.

- 19) Gustavsson T., Patrik, (2010), "Offshoring and Corruption: Does Corruption Matter", Stockholm School of Economics and Centre of Excellence for Science and Innovation Studies (CESIS), Electronic Working Paper Series, Paper No. 237.
- 20) Habib, Mohsin, and Leon Zurawicki, (2002), "Corruption and foreign direct investment" *Journal of International Business Studies*, 33(2): 291-307.
- 21) Habib, Mohsin and Leon Zurawicki, (2010), "Corruption and Foreign Direct Investment: What Have We Learned?" *International Business & Economics Research Journal*, Vol. 9, NO. 7.
- 22) Javorcik, Beata S., and Shang-Jin Wei, (2009), "Corruption and Cross-Border Investment in Emerging Markets: Firm-Level Evidence", Hong Kong Institute for Monetary Research, Working Paper No.06/2009.
- 23) Lambsdorff, J. Graf (2003), "How Corruption Affects Persistent Capital Flows", *Economics of Governance*, 4(3), 229-244.
- 24) Mauro, P, (1995), "Corruption and growth," *Quarterly Journal of Economics* 110(3): 681-712.
- 25) Olson M., (1993), "Dictatorship, democracy, and development" *American Political Science Review* 87:567-76.
- 26) Pierre, Norbert, (2011), "Foreign Direct Investment, Rule of Law and Corruption" Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1936446>.
- 27) Qian, Xingwang, Jesus Sandoval-Hernandez, and Jinzhao Z. Garrett, (2012), "Corruption Distance and Foreign Direct Investment" Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2076759>
- 28) Seldadyo, H., and de Haan, J., (2011), "Is Corruption Really Persistent?" *Pacific Economic Review*, 16(2):196-206 .
- 29) Tanzi, V., and Davoodi, H., (2000), "Corruption, Growth, and Public Finances" *International Monetary Fund Working Paper No 00/182*.
- 30) Vinod, Thomas, et. al, (2000), *Quality of Growth*, world Bank, Oxford University Press.
- 31) Wei, S., 2000a, "How Taxing is Corruption on International Investors?" *Review of Economics and Statistics*, 82(1): 1-11.
- 32) Wei, S., (2000b), "Local corruption and global capital flows," *Brookings Papers on Economic Activity* 2000(2): 303-354.
- 33) Wei, S. and Wu, Y., (2001), "Negative alchemy? Corruption, composition of capital flows, and currency crises," NBER working paper No. 8187.
- 34) Wheeler, D. and Mody, A., (1992), "International investment location decisions: the case of US firms," *Journal of International Economics* 33(1-2): 57-76.
- 35) World Bank (1997), *World Development Report 1997*, Washington D.C.: The World Bank.

پیوست

کشورهای مورد بررسی در این مطالعه شامل ۵۰ کشور زیر می‌باشند:

اردن، آرژانتین، ارمنستان، اروگوئه، آفریقای جنوبی، اکراین، اکوادور، آلبانی، الجزایر، اندونزی، آنگولا، اوگاندا، ایران، برزیل، بلغارستان، بنگلادش، بوسنی و هرزگوین، بولیوی، پاکستان، پرو، تایلند، ترکیه، تونس، چین، روسیه، رومانی، زیمبابوه، سریلانکا، سودان، شیلی، غنا، فیلیپین، قزاقستان، قرقیزستان، کاستاریکا، کلمبیا، کنیا، گرجستان، گوآتمالا، ماداگاسکار، مالاوی، مالزی، مصر، مکزیک، موزامبیک، نیجریه، ونزوئلا، ویتنام و هند.

1. Panel Data
2. Foreign Direct Investment
3. Transparency International
4. Vinod
5. Savona
6. Pierre
7. Campos, Lien, Pradhan
8. Lambsdorff
9. Egger, and Winner
10. Mauro
11. Wei
12. Seldadyo, and Haan
13. Abed, and Davoodi
14. Javorcik, and Wei
15. Al-Sadig

^{۱۶} - از جمله: Alesina, and Weder, 2002; Glass, and Wu, 2002; Wheeler, and Mody, 1992

17. Akçay
18. Delios, et. al
19. Gustavsson
20. Qian, et. al
21. Habib, and Zurawicki
22. Onyeiwu
23. Chiting & Kandiero
24. Taylor & Driffidid
25. Morrissey
26. Pooled Least Square
27. Fixed Effect
28. Random Effect